

بررسی ویژگی‌های سبکی و تحلیل محتوایی شعر سپیده کاشانی (۱۳۱۳-۱۳۷۱)

* دکتر محمود صادق زاده

چکیده

سپیده کاشانی از شاعران متعهد انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی به شمار می‌رود که زندگی، اشعار و اندیشه‌های وی به لحاظ بیان مضمون‌های دینی، انقلابی، ادبیات پایداری و دفاع مقدس و بازتاب روی داده‌های انقلاب اسلامی و جبهه و جنگ قابل توجه و بررسی است. در این جستار، ضمن معرفی سپیده و آثارش کوشش می‌شود، ابتدا، دوران شاعری اش و پس از آن ویژگی‌های سبکی وی از جنبه‌های: قالب‌های شعری و مختصات بیانی و ادبی تحلیل و بررسی و سپس به تحلیل محتوایی و بررسی مضمون‌ها و درون‌مایه‌های اشعارش پرداخته شود.

آثار ادبی سپیده بیشتر منظوم است که به همراه تنها اثر منظورش منتشر شده است. هر چند، سبک شعر سپیده بیشتر کلاسیک نو است، اشعار وی هم به قالب‌های سنتی است و هم به شیوه‌ی نیمایی. دوران شاعری سپیده به دو مرحله‌ی پیش از انقلاب و پس از انقلاب تقسیم می‌شود و حوادث سیاسی، اجتماعی هر دو دوره، به ویژه دوره‌ی دوم، در آثارش تأثیر زیادی می‌گذارد.

سپیده بیشتر شاعر زمان خود است و در خدمت انقلاب، دفاع مقدس و ارزش‌های اسلامی. شعر وی هر چند، اغلب به لحاظ پیام‌رسانی و بیان مضمون‌ها و درون‌مایه‌ها اهمیت دارد، با این حال برخلاف بیشتر شعر شاعران انقلاب از صورخیال و زیبایی‌های سخن نیز برخوردار است. مهم‌ترین مضمون‌ها و درون‌مایه‌های شعر سپیده عبارتند از: غفلت‌ستیزی و دعوت به بیداری، انتظار موعود، حماسه‌ی حسینی، شهادت و شهید، ادبیات پایداری و جبهه و جنگ، آموزه‌های دینی، قسط و عدل، مدح و منقبت پیامبر و ائمه، ستایش شخصیت‌های دینی، انقلابی و ادبی، سوگ سروده‌ها، مفهوم زندگی و مرگ و

این موارد، با تجزیه و تحلیل آثار، زندگی و اندیشه‌های سپیده و با بهره‌جستن از پژوهش‌ها و نوشته‌های پراکنده در این زمینه، تحقیق و بررسی شده است.

واژه‌های کلیدی: ادبیات دینی و پایداری، انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، سپیده کاشانی، قالب‌های شعر، سوگ

سروده.

*عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۶/۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۹/۲۰

مقدمه

سرور اعظم باکوچی، معروف به سپیده کاشانی از شاخه‌ی شاعران متعهد کلاسیک نو مذهبی، انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی به شمار می‌رود که اشعار و اندیشه‌های وی به لحاظ بازتاب حوادث و مسائل اعتقادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی دوران انقلاب شکوهمند اسلامی ۵۷ و جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و نیز بیان آرمان‌های انقلابی و ارزشی قابل اهمیت و بررسی است.

سپیده کاشانی در مرداد ماه ۱۳۱۳ ه.ش. در محله‌ی «سلطان امیر» در جوار امام زاده احمد بن موسی (ع) و در خانواده مذهبی در شهر کاشان متولد شد. پدر و مادر سپیده به دلیل این که تولدش مایه‌ی سرور و شادمانی شده بود و نیز به دلیل علاقه به اسم اعظم او را سرور اعظم نامیدند، البته در خانه او را سرور صدا می‌زدند.

درباره‌ی علت برگزیدن تخلص شعری سپیده، در جایی به روشنی اشاره نشده، با این حال، با توجه به شواهد زندگی و آثارش مشخص می‌شود که وی به ظهور موعود، فجر پیروزی و سپیده آزادی اهمیت بسزایی قایل است:

سپیده در سپیده دم، طلوع آفتاب بین
که سیل نور می‌کند، ریشه‌ی شام تار را

(سپیده کاشانی، هزار دامن گل سرخ، ۱۳۷۳: ص ۴۱)

سپیده به زادگاهش بسیار علاقه داشت، به طوری که تا آخرین لحظات زندگی از آن به نیکی یاد می‌کرد، وی در این باره می‌گوید: «از دامنه‌ی کویر برخاسته‌ام. از کاشان شهری که تقدس و مذهب در هوایش موج می‌زند و مردمی مهربان و اصیل دارد، چه رابطه‌ای است، در این سرزمین و قلب‌های سرشار از محبتی که می‌پرورد؟ در سرزمینی که بوته‌هایش کوتاهند، اما انسان‌های بلند همت و بلند نظر سرافراز می‌زیند که زیور رخسار آدمیتند.» (یادمان سپیده، روزنامه رسالت، ۱۳۷۱، ش ۲۰۷۹: ص ۴)

پدر سپیده، حسین باکوچی تاجر و مادرش زهرا با سواد و معلم قران و اهل شعر و مشاعره بود. سپیده، اغلب به همراه مادر و پدرش در مراسم مذهبی شرکت می‌کرد و همان گونه که خود می‌گوید: پدر و مادرش نخستین و بزرگ‌ترین معلمش بودند که وی را با مفاهیم قران مجید آشنا کردند. (غفاری، ۱۳۸۴: ص ۱۳) سپیده، پدر و مادرش را به دلیل بیماری با فاصله‌ای کم از دست داد.

وی تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش به پایان رساند و هر چند آرزو داشت که در دانشگاه ادامه تحصیل دهد، وارد دانشگاه نشد، ولی در دانشگاه زندگی، تجربیاتی بسیار آموخت. سپیده پس از دوره‌ی متوسطه ازدواج و به تهران عزیمت کرد. حاصل این ازدواج سه فرزند به نام‌های سعد، سودابه و علی است.

سپیده برای امور زندگی و فعالیت‌های مربوط به شاعری و مذهبی به مسافرت‌های داخلی و خارجی نیز پرداخت. مهم‌ترین مسافرت‌های داخلی وی عبارتند از: سفر از کاشان به تهران برای اقامت؛ دو بار سفر به شهرهای جنوبی و مناطق جنگی که حاصل آن سفرنامه‌ای بود که با عنوان «حکایت آنان که بقا را در بلا دیده‌اند»؛ سفر به تبریز

برای دیدار شه‌ریار سفر به شیراز برای شرکت در کنگره ی بزرگداشت سعدی در سال ۱۳۶۳. مهم‌ترین مسافرت‌های خارجی وی نیز، سفر به کشور تاجیکستان برای افتتاح سفارت ایران و آخرین سفرش به کشور انگلستان برای درمان بود که در سال ۱۳۷۱ ش. در همان جا درگذشت .

مهم‌ترین آثار منظوم و منثور سپیده ، عبارتند از :

(۱) پروانه‌های شب شامل دو قسمت است که در سال ۱۳۵۲ در ۱۶۰ صفحه منتشر شده است. قسمت یکم، ۲۳ غزل به سبک کلاسیک است و قسمت دوم، در برگرفته‌ی ۲۸ سروده به شیوه‌ی نیمایی. غزلیات اولیه‌اش در وزن‌های مختلف و مضامین گوناگون است و درون مایه‌های اصلی آن‌ها، حسرت، امید به فردا و آینده، شب، سکوت؛ البته زیباترین و ادبی‌ترین سروده‌های سپیده، همین غزلیات وی است .

اشعار نیمایی وی، نیز بیشتر بیانگر روزگار خفقان، سکوت و ظلمت دوران ستمشاهی است که باز هم امید به آینده را به مخاطب القا می‌کند .

(۲) هزار دامن گل سرخ : در برگرفته‌ی گزیده‌ای از شعر جنگ است که حوزه‌ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی آن را در سال ۱۳۷۳ منتشر کرده است . این مجموعه شعر را می‌توان آغاز شعر جنگ تحمیلی دانست که در قالب‌های غزل، قصیده، رباعی و دو بیتی سروده شده اما قالب غالب آن مثنوی است ؛ در پایان کتاب نیز، سروده‌ای در وصف خرمشهر به سبک نیمایی آمده است . بیشتر سروده‌هایی که از اشعار وی اوایل انقلاب در صدا و سیما پخش می‌شد، در این مجموعه درج شده است .

(۳) سخن آشنا : در برگرفته‌ی غزل، قصیده، قطعه، مثنوی، چهارپاره، رباعی، دوبیتی، تضمین‌ها، سروده‌ها و شعر آزاد نیمایی اوست . معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، آن را در ۲۴۵ صفحه گردآوری و به سال ۱۳۷۳ منتشر کرده است ، البته همه‌ی سروده‌های شاعر رادر بر نمی‌گیرد .

(۴) اثر منثور، تحت عنوان «حکایت آنان که بقا را در بلا دیدند» که در برگرفته‌ی خاطرات و یادداشت‌های سفر به جنوب و دیدار با رزمندگان است و حوزه‌ی هنری آن را در ۱۲۴ صفحه به سال ۱۳۷۵ منتشر کرده است .

در این جستار کوشش می‌شود با تجزیه و تحلیل آثار سپیده و با بهره‌جستن از منابع پراکنده‌ی مربوط به زندگی، شعر و اندیشه‌اش، ابتدا دوره‌های شاعری و انواع شعر و سپس ویژگی‌ها، محتوا و مضامین و مفاهیم و درون مایه‌های اشعارش بررسی شود.

بحث

۱- دوران شاعری

الف : دوران پیش از انقلاب: سپیده شاعری را از دوازده، سیزده سالگی آغاز کرد؛ اما فعالیت رسمی شاعری او از سال ۱۳۴۷ ش. با اقامت در تهران و انتشار اشعارش در روزنامه‌ی اطلاعات آغاز شد. در این مرحله، مرگ پدر عمیقاً بر روحیه‌اش تاثیر گذاشت، از این رو به زادگاهش برگشت و مدتی در آن جا اقامت کرد. ایمان قوی، انس با قرآن کریم و پای بندی جدی وی به اصول و احکام مذهبی در تمام سروده‌هایش از جمله در این دوره به روشنی دیده می‌شود. به هر حال، سپیده پس از اقامت در تهران و شرکت در محافل مذهبی و ادبی، نخستین اثرش را تحت عنوان «پروانه‌های شب» در سال ۱۳۵۲ به چاپ رساند.

سپیده از اوضاع پیش از انقلاب رضایت نداشت و با شعر و سخن با حاکمیت خودکامه‌ی زمانه مخالفت می‌کرد و پیوسته در ایجاد شور انقلابی علیه رژیم ستمشاهی می‌کوشید. دست نوشته‌ها و نامه‌هایش به دوستانش بیانگر این مدعاست. خود شاعر در این باره می‌گوید: «سختی‌ها، روی دوش مردم آن‌ها را آزار می‌دهد. فقر و تنگدستی [از سویی و غارت اموال مردم از سویی دیگر که] از همه بیشتر شاه و فامیلش همه‌ی ثروت این مردم را به تاراج می‌برند؛ در حالی که مردم به یک لقمه‌ی نان محتاج هستند. اگر کسی هم اعتراض کند، حسابش پاک است. چند روز پیش امام جماعت محله‌ی ما را گرفتند و بردند، نماز جماعت تعطیل شد، گفتند: به جرم این که بر ضد خانواده‌ی شاه حرف زده است.» (همان: ص ۴۴)

در شعر زیر نیز علیه فضای سکون و خفقان آمیز و تاثیر منفی تمدن غرب اعتراض می‌کند:

«در خیابان مهر / هر جا چراغی بود / این زمان مصلوب خاموشی است / ساحت ذرات / از نجوای گل معطر نیست / پس بدین سان بود که / انسان / در ستیز زیستن در خویش گم شد.» (یادمان سپیده، همان: ص ۱۵)

ب - دوره‌ی پس از انقلاب

سپیده، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با شور و شوق تمام به خیل نیروهای انقلابی پیوست و در کنار مجاهدان، به سرودن اشعار و سروده‌های انقلابی پرداخت و به درخواست مدیر تولید رادیو به صدا و سیما رفت. وی به همراه دیگران، موفق شد با حذف افراد غیر انقلابی، عناصر مخلص و انقلابی و نیز هنرمندان آگاه و شاعران متعهد را به رادیو دعوت کند و به کار گیرد.

کم کم با حضور بانوان در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و هنری، سپیده نیز به فعالیت‌های ادبی خود وسعت بیشتری بخشید و به عنوان شاعر انقلابی پای به میدان نهاد و با حفظ اصالت، متانت و عفت زن مسلمان، توانست نزدیک به یکصد سرود و شعر در زمینه‌ی انقلاب اسلامی تهیه کند و در رادیو پخش شود.

سپیده، علاوه بر این در جلسات حوزه ی اندیشه و هنر اسلامی سازمان تبلیغات، صدا و سیما، شورای ارشاد اسلامی و مطبوعات ، همکاری نزدیک و زیادی داشت . سپیده، به امام خمینی (ره) ایمان قوی داشت و وی را به عنوان محور همه ی احساسات پاک و زلال و پشتوانه ای برای تحمّل رنج‌ها و مصیبت‌هایش می‌دانست :

شب اسارت و محنت ، شب دریغ گذشت سوار فاتح خورشید از ستیغ گذشت (غفاری، ص ۷۱)

رهبر، از پی فرمان تو برخاسته ایم باغ خاطر به گل مهر تو آراسته ایم (همان: ص ۸۱)

با آغاز جنگ تحمیلی، در سنگر شعر و ادب به حمایت و تشویق رزمندگان پرداخت و برای درک عینی موقعیت مجاهدان در جبهه و جنگ حاضر شد. دل‌بستگی عجیبی به شهیدان داشت و می گفت: «من شهدا رامی شناسم ، انگار جایی آنان را دیده ام ، من خواهر بزرگتر همه ی شهدا هستم.» (همان: ص ۸۲)

در سال ۱۳۶۴ ، همسر خود را از دست داد و ضربه ای جبران ناپذیر بر روحش وارد شد :

می خواستم با تو باشم ، خدا نخواست پیوسته در کنار تو باشم ، خدا نخواست (همان: ص ۹۲، ۹۳)

رحلت اما خمینی (ره) نیز بر سپیده تاثیر عمیقی گذاشت . به هر حال ، پس از انقلاب ، بیشتر مضمون های شعر سپیده را تبیین و ترویج معارف اسلامی و ارزش های انقلابی تشکیل می دهد .

۲- ویژگی های شعر سپید :

الف - قالب‌های شعری :

بیشتر اشعار او قبل از انقلاب به قالب غزل و به شیوه ی شعر آزاد نیمایی است. وی مفاهیم عاشقانه و تعلیمی را در شکل غزل بیان می‌کند و بیشتر اندیشه‌های سیاسی، تاریخی و اجتماعی خود را در قالب شعر آزاد می‌ریزد. اما، پس از پیروزی انقلاب اسلامی ۵۷ که تحت تأثیر تحولات اجتماعی و سیاسی و ضرورت‌های زمانی، تقریباً از همه ی قالب‌های شعری به ویژه سنتی استفاده می‌شود. سپیده نیز علاوه بر دو قالب غزل و شعر آزاد در قالب‌های قصیده ، مثنوی، قطعه، رباعی، دو بیتی نیز طبع آزمایی می‌کند. گاهی نیز برای ایجاد ارتباط دقیق تر و عمیق تر معنایی ، اشعار حافظ و جامی و شهریار را تضمین می‌کند ، مثلاً :

تضمین غزل جامی :

به کعبه رفتم و آن جا هوای کوی تو کردم جمال کعبه تماشا به یاد روی تو کردم (جامی، ۱۳۶۳، ص: ۲۳۹)

به پای عشق دویدم ، سفر به سوی تو کردم به کعبه ساغر جان ، پر می از سبوی تو کردم

درون خلوت دل با تو گفتگوی تو کردم «به کعبه رفتم و آن جا هوای کوی تو کردم»

«جمال کعبه تماشا به یاد روی تو کردم...» (سپیده کاشانی، ۱۳۷۳/ص ۱۸۴)

تضمین غزل حافظ

خیز تا خرقه ی صوفی به خرابات بریم
شطح و طامات به بازار خرافات بریم (حافظ، ۱۳۷۲/ص ۳۴۰)

گر غبار از سر کویش به مباحثات بریم
گوهر جان به سراپرده آیات بریم

تا ز دل زنگ ملال آور آفات بریم
«خیز تا خرقه ی صوفی به خرابات بریم»

«شطح و طامات به بازار خرافات بریم...» (سپیده کاشانی، همان:ص ۱۸۱)

ب - ویژگی های کلی بیانی و ادبی :

شعر سپیده، همچون اغلب شاعران انقلاب، شعر زمان است و شعر شعور، شهادت، حماسه و عرفان. از این رو چندان به لحاظ بیانی و ادبی و صور خیال قابل توجه نیست. بنابراین سپیده شاعر انقلابی است و چنین شاعری از دیدگاه خود شاعر: «کسی است که از وصف معشوق دفتر سیاه نکند، بلکه می بایست خود را از اجزای جامعه بداند و نباید آن قدر از واقعیت دور بیفتد که درک جامعه و مردم برایش ممکن نباشد و تصوّرات و تخیلات نباید آن قدر در شعر زیاد باشد که خود شاعر هم فریب آن را بخورد و گرفتار آن شود.» (یادمان سپیده، همان:ص ۱۳)

از این رو، زبان شعر سپیده، سلیس و روان و در عین حال پر از احساس، صداقت و صمیمیت است و دچار ابهام و ایهام و کج تابی، تعقیدهای لفظی و معنوی نمی شود. صنایع شعری، کمتر در اشعارش دیده می شود، اغلب روان و ساده شعر می گوید؛ اما ظریف اندیشی زنانه و احساس مادرانه و خواهرانه در اشعارش موج می زند و رنگ و بوی مسلمانی و دردمندی دارد :

برادر مبارزم زمزمه کن بهار را
بچین ز شاخه ی یقین میوه ی انتظار را

بهار شد، بهار شد، وطن چو لاله زار شد
تا که شمارد این همه لاله ی بی شمار را؟ (سپیده کاشانی، همان:ص ۷۰)

علّت کم توجهی شاعر به صور خیال و عناصر شعری این است که او بیشتر به پیام شعر توجه می کند. گویا او تقیدی به تزیین ندارد. شعرش سؤالی در ذهن خواننده باقی نمی گذارد و چند گونگی از شعرش برداشت نمی شود:

خوب مهربان من/ ما؛ همه پرنده ی مهاجریم/ ما، همه مسافریم/ همه کلام ما سرود رجعت است. (سپیده کاشانی، ۱۳۵۲، ص: ۶۲)

شعرش از لحاظ خلوص، تفکر و تاثیر گذاری ممتاز است، هر چند بعضی از شاعران هم روزگارش از لحاظ زبان و جنبه های ادبی بر وی برتری دارند. از این رو شعر او بیانگر این بیان است که «شعر و شعار در سپیده دم انقلاب اسلامی آن چنان با هم آمیخته اند که برخی شعارها شعر و برخی شعرها شعار می شوند.» (اکبری، ۱۳۷۱: ص ۱۸۴)

قسم به صدق و صفا و خلوص اهل یقین قسم به نور نبوت به جبرئیل امین

ندیده دیده به رسوایی تو ای «سلمان» (سلمان رشدی) که خود فروختی و روح خویش، بر شیطان

(سپیده کاشانی، سخن آشنا: ص ۱۱۹)

با این حال در شعر سپیده ، صور خیال به ویژه تشبیهات و استعارات زیبا به صورت شفاف، عینی و دل نشین کم نیست :

جوشید از اوج یقین گل های باور گل کرد بر شاخ زمان ، گل های سنگر

گل های ما در خون و در آتش شکفتند با بلبلان آتش افشان راز گفتند

بوی بهاران ، عطر باورت است این جا لب بسته مرغ عشق مبهوت است این جا (همان: ص ۱۱۰)

گاهی نیز از ضرب المثل ها و کنایه ها برای زیبایی سخن و تأثیر گذاری بهره می جوید:

«هیزم تر و خشک با هم می سوزد»:

در وطن آتش افروخت و و اندر آن خشک و تر سوخت ننگ جاوید اندوخت آن پلید تتاری

- داستان میش و گرگ و دشمنی دیرینه ی آن ها :

بشنو ای دوست ، بشنو قصه ی این قبیله قصه ی میش و گرگ است در خم کوهساری (همان: ص ۵۶)

خانه بر مسیر سیل بنا کردن (سد بر اقیانوس زدن) :

ای که می سازی حصار اندر حصار سد بر اقیانوس کی گیرد قرار (همان: ص ۱۳۰)

در بسیاری از موارد هم با استفاده از آیات و روایات و مفاهیم و تعابیر دینی و تلمیحات و اشارات گوناگون ، با مخاطبان آشنای خود ارتباط صمیمانه و خالصانه برقرار می کند:

ز طور معجزه ای نفس مطمئن چه شنیدی که شعله شعله به نیزار تن زبانه گرفتی (همو، هزار دامن گل سرخ: ص

۱۵)

اشاره به آیه ی مبارک (۲۹)سوره ی قصص و آیات (۲۷- ۲۸) سوره ی فجر.

بوی پیراهن ، حدیث یوسف و درد فراق داستان پیر کنعان بود و بر رهبر گذشت (همان :ص ۴۵)

اشاره به آیه ی (۹۳)سوره ی یوسف «ذهبو بقمیصی هذا فالتوه علی وجه ابی بات بصیراً»

قسم به فجر ، قسم به طلوع صبح ظفر قسم به عزم دلیران به راهیان سحر (همان :ص ۷۲)

اشاره به آیات (۴-۱) سوره ی والفجر .

بنابراین به طور کلی می توان سپیده را شاعری نئو کلاسیک دانست که از لحاظ اجتماعی و سیاسی دو دوره ی تاریخی را تجربه و درک کرده و درباره ی آن شعر سروده است . با این حال ویژگی اصلی شعر سپیده همان ویژگی شعر انقلاب است : رهایی از قید کنایه پردازی و ابهام گرایی و لفظ گرایی و توجه به صراحت بیان ، بی پیرایگی زبان و بیان حقایق و مسائل اساسی زمان تحت سایه ی آزادی های انقلابی .

اما امتیاز سپیده در این است که همچون بعضی از شاعران انقلاب دچار شعارزدگی و روایت گویی صرف نمی شود، در بسیاری از موارد از واژه های نمادین مانند شب، وحشت، زمستان، بن بست، تاریکی و . . . بهره می برد: مثلاً: هر شامگاه، غرق در ظلمت / آنگه که مرغ شب / سر می دهد غمگین نوای جاودان خویش / آنگه که شام تیره چوب خیمه ی ظلمت / تا انتهای خاک می کوبد / آنگه که تاریکی ستون ها را / در بازوان خویش می گیرد / آنگه که شب تا بیکران ها پای می گیرد / فریاد یا رب یا ربم / یا رب / تا غرفه های عرش می پیچد / فریاد بی همدردیم / هر شب / در غربت این جنگل می روید (پروانه های شب، همو : ص ۵۷) هر چند پس از انقلاب به دلیل توجه زیاد به پیام رسانی، شعر و شاعری او روز به روز قوام بیشتری پیدا نمی کند، زیرا غزلیات او در آثار اولیه از نظر صور خیال و صنایع ادبی برتر از دوره ی دوم شاعری اوست. از این رو، هر چند ترکیب سازی و خیال پردازی او در نیمه ی دوم زندگی اش کمتر می شود ، به جای آن، عنصر مسلمانی، تعهد، دردمندی انقلابی در همه ی اشعارش بیشتر دیده می شود .

۳- تحلیل محتوایی و بررسی مضمون ها و درون مایه های شعر سپیده

شعر سپیده ، شعری دینی، انقلابی و سرشار از وقایع بزرگ و سرنوشت ساز است که عناصر آن از لحظه لحظه های انقلاب و جنگ تحمیلی ساخته شده است . البته همان گونه که اشاره شد اشعار قبل از انقلاب سپیده متناسب با شرایط آن روز اندوهناک و ماتم آلود است . زیرا در جامعه ی بسته ، سرد و ساکن آن روز ، مخاطبی برای شنیدن سخنان وی نیست و طبعاً بهترین همراه و همدم او در آن وضعیت، نسیم امید است، از این رو می گوید:

«در خیابان مهر، هر جا چراغی بود / این زمان مصلوب خاموشی است / ساحت ذرات / از بخور گل معطر نیست / قلب ها، اعجاز خود در ازدحام باد گم کردند / نسل مان را بذره های کین پراکندند / سینه ها گور گناهان شد / راستی آیا کدامین تسلیت را / با که باید گفت / در چنین فصلی که اندوه است پیغامش ؟ (همان :ص ۸۶)

بنابراین در چنان فضای خفقان و ظلمانی، سپیده، بیشتر مفاهیم و مضامینی همچون زمستان، خفقان، سکوت، ظلمت و تباهی را به صورت نمادین بیان می‌کند و با تشبیه شاه ایران به چنگیز و اقوام غارتگر به تاتار، مضامین گوناگونی می‌سازد، بدون آن که اسطوره‌های ملی و ایرانی را در نظر بگیرد. در دوره‌ی پس از انقلاب، شعر او از حوادث انقلاب و جنگ تحمیلی تاثیر می‌پذیرد و رنگ دینی به خود می‌گیرد.

از این رو در اشعار سپیده، در این دوره یاد شهیدان، اندوه و حسرت مادران، نكوهش ریاکاران زر و زور، رنج‌ها و محرومیت‌های طبقات فرو دست جامعه، بازتاب شهادت یا وفات یاران انقلابی، تبعید و بازگشت رهبری و ارتحال امام خمینی (ره)، انعکاس فرهنگ جهاد و شهادت، استفاده از آیات و احادیث و تعلیمات مذهبی، سرودن سوگ نامه‌هایی برای امامان معصوم و دیگر بزرگان انقلابی و مسایلی از این دست بیان شده است که به مهم‌ترین آن‌ها پرداخته می‌شود:

الف - غفلت ستیزی و دعوت به بیداری و حرکت برای انقلاب و جنگ

سپیده تحت تاثیر اندیشه‌های سیاسی و دینی خود، در کتاب پروانه‌های شب گاهی با قالب نو و گاهی با قالب سنتی به مسأله‌ی هنجار شکنی اجتماعی توجه می‌کند و به روشنگری می‌پردازد. پس از پیروزی انقلاب نیز با سرودن اشعار حماسی، در تهییج و ترغیب مردم می‌کوشد:

زندانی زندان غم برخیز	ای مانده در بند ستم برخیز
مرداب را بنگر چه دل گیر است	فردا اگر خیزی زجا دیر است
امروز باید بر سیاهی تاخت	باید که از امروز فردا ساخت
باید اساس فتنه ویران کرد	باید نگون تخت امیران کرد
دارد این پیام آلاله پر پر	ننگ است ما را مرگ در بستر (سپیده کاشانی، هزار دامن گل سرخ: ص ۶۵)

ب - انتظار موعود:

به طور کلی، بیشتر مضامین اشعار سپیده بر این محور می‌چرخد و کمتر شعری دارد که با انتظار و امید به آینده‌ای روشن یا ظهور منجی عالم به پایان نرسد:

بر سر تربت گل ریز گلاب از سر نذر	تا بتابد مه موعود به انوار دگر (همو، سخن آشنا: ص ۵۵)
مقصود این که برای طلوع، باید دعا کرد و این قدر بر پیکر شهدا، اشک ریخت تا موعود با نور دیگری هویدا شود.	
ز کعبه عزم سفر کن به این دیار بیا	چو عطر غنچه نهران تا کی، آشکار بیا

حریم دامن نرگس شد از تورشک بهار

گل یگانه ی گلزار روزگار بیا

تو جلوه ای ز محمد (ص)، تو آیتی ز علی (ع)

تو سیف منتقمی عدل پایدار بیا (همان:ص ۷۴)

برای آمدنت گرچه زود هم دیر است

شتاب کن که بر آری ز شب دمار بیا

در این شعر، سپیده اعتقادات شیعی را مبنی بر این که امام زمان (عج) از سرزمین وحی ظهور می کند، باور دارد و لحظه ها را برای آمدنش دیرگذر می داند و او را به با ارزش ترین چیزها سوگند می دهد و با تمام وجود، آمرزش را درخواست می کند.

هرچند گاهی درهای انتظار را بسته می داند، اما امید به صبح و شفق در اشعارش موج می زند، البته این انتظار مربوط به حضرت مهدی (عج) نیست؛ بلکه انتظار از مردی است که بیاید و به مصلی برود و سخن پیش گوی زمان را درباره ی رسیدن نوروز ثابت کند:

درهای انتظار فرو بسته

دل در اسارت غم صد ساله

از مرگ آفتاب خبری دارد

دست شفق به غربت هر لاله (همان:ص ۱۷۶)

بنابراین ظهور و انتظار در شعر سپیده، تنها ظهور حضرت موعود نیست، گاه ظهور معجزه ای را انتظار می کشد و گاه منتظر تحوّل در عرصه ی وجود خود است: لحظه ای گوش کنید/ همه آینه های عشق دارد از هم می شکند/ همه ی زیبایی ها به زمین می ریزد/ بالهای سبز خوشبختی می سوزد / آه... اگر از دل تاریکی ها / بوزد معجزه ای: و ظهور دگری در ما / تکوین یابد. (سپیده کاشانی، پروانه های شب:ص ۱۵۲)

پ - حماسه ی حسینی و توصیف قهرمانان کربلا (پیوند حماسه و عرفان)

سپیده بسیار از اندیشه ها و پیام های سالار شهیدان و یاران وفادارش سخن گفته و الهام گرفته است و اصولاً در بیشتر موارد جبهه و جنگ تحمیلی و انقلاب اسلامی را با قیام دشت نینوا مقایسه کرده و همانند دانسته است:

صدای کیست که از دشت بیکرانه می آید

بسان شعله آتش صور زبانه می آید

صدا، صدای طنین خوش رضا بقضائک

صدا صدای حسین (ع) است و جاودانه می آید

ز نینوای شهیدان کربلای حسینی

وزیده رایحه ی عشق و جاودانه می آید

(همو، هزار دامن گل سرخ:ص ۷۶-۷۵)

سینه، پر از عطر عطا کرده ام

سیل ز هر دیده رها کرده ام

بال و پر عشق به آتش زدم

خویشتن خویش فنا کرده ام

ران ملخ سوی سلیمان عشق
بردم اگر جسم فدا کرده ام

آه بگویند که عباس را
عهد بدین گونه وفا کرده ام (سپیده کاشانی، سخن آشنا:ص ۱۵)

که شهادت حضرت عباس (ع) به عنوان مظهر وفا و رشادت و اخلاص توصیف شده است.

اما، والاترین شخصیت قیام حسینی را حضرت زینب(س) می‌داند و در جای جای اشعارش از او یاد و زنان صبور و با ایمان کشور را با وی مقایسه می‌کند:

زینب من ای رسول ظهر خون
آه ای بانوی دشت لاله گون

انقلابی، انقلاب آورده ای
در دل شب آفتاب آورده ای ...

ای پرستار شب گل های وحی
ای همه فریاد تو از نای وحی

ای طیب درد بی درمان ما
ای فدای تربت تو جان ما (همان:ص ۱۵۳)

هنوز سوز کلامت زند شرر به دل و جان
مگر کلام حسینی تو ای عزیز گرامی (همان:ص ۴)

در این بیت به پیام و سخنرانی بسیار تکان دهنده ی حضرت زینب(س) در مجلس یزید اشاره دارد که تمام نقشه های شوم آنان را بر ملا کرد . یا :

از مادران این شمع های اشک آجین
این قهرمانان بزرگ زینب آیین (همان:ص ۱۴۳)

که عقیده دارد؛ مادران ایرانی هم، مانند حضرت زینب (س) هستند و باید از او الگو بگیرند.

سپیده در بسیاری از اشعارش، علاوه بر بزرگداشت شخصیت های قیام کربلا به کربلای ایران توجه می‌کند و مکرر مناطق جنگ تحمیلی را با صحنه های کربلا و عاشورای حسینی مقایسه می‌کند:

می رویم آری به سوی کربلا
گر بیارد ز آسمان ابر بلا

تا به صبرا و شتیلا می رویم
تا دیار قدس اعلا می رویم (سپیده کاشانی، هزار دامن گل سرخ:ص ۶۹)

دنیا بداند کربلای عشق این جاست
عاشق ترین گلهای عالم لاله ی ماست

هر لحظه ما، اربعین در اربعین است
آیا بهای صبح آزادی چنین است (همو، سخن آشنا:ص ۱۴۳)

یکی از شگردهای سپیده در پرداختن به قیام کربلا، این است که ضمن بهره گیری از اصطلاحات رایج در عرفان، می‌کوشد شخصیت های اسلامی و انقلابی کنونی را با حماسه پردازان حسینی مقایسه کند:

هر لحظه و هر روز ما نوروز جان افروز ما بر سبزه زار صبر با طی مراحل می رود . . .
اعجاز این دارالشفای با قصه پردازان بگو مجنون چو آید در طلب ، زین خطه عاقل می رود

(همو، هزار دامن گل سرخ: ص ۱۸)

ای اختر برج شرف برخیز برخیز
بار دگر با دشمن دیرینه بستیز
بار دگر سر کن سرود لاله ها را روشن کن از دیدار خود چشمان ما را (همو، سخن آشنا: ص ۱۰۶)

ت- آموزه های دینی ، ارزشی و اخلاقی

سپیده زندگی، آثار و اندیشه هایش با مفاهیم و مضامین دینی، قرآنی و انسانی آمیخته شده است و در سر تاسر آثارش به جز جهاد و شهادت و ایثار و پایداری، به مضامین دینی همچون: دعا، عهد و پیمان، وفاداری، جهاد و شهادت، دلجویی از یتیمان، امید به بخشایش الهی، مبارزه با نژاد پرستی و فاصله طبقاتی و . . . نیز توجه می کند که به مهم ترین آنها اشاره می شود:

(۱) نیایش: سپیده از کودکی با دعا و نیایش و قرآن و ذکر انس دارد و در اشعارش نیز بسیار بدان می پردازد؛ او از منبع نور و رحمت می خواهد: روزگارش دگرگون، تاریکی ها محو شود و روشنایی سراسر گیتی را همچون خورشید فرا گیرد:

خوب مهربان من / بوته ی فریب بارور نمی شود بیا / شهر مهربانی و صفا بنا کنیم / و دعا کنیم / تا که جام آفتاب
واژگون شود / بر فراز شام جاودان ما (همو، پروانه های شب: ص ۶۳)

سپیده عقیده دارد که همگان به دعا کردن نیاز دارند، حتی پیر و مراد:

براین گذر که شگرف، جای پای تو دیدم
شهید عشق شدی راه آن یگانه گرفتی
تو را دعای سفر خوانده بود پیر دلاور
که هفت وادی اشراق عاشقانه گرفتی
توئی ستاره ی صبح و من آن سپیده ی فجرم
که در زلال نگاهم چو نور لانه گرفتی
(همو، هزار دامن گل سرخ: ص ۱۶)

مجاهدان نیز با حربیه ی دعا می توانند مقاومت و دشمن را ریشه کن کنند:

همیشه ی عشق را شرر از نفس دعا بزن
موج زنان برو، برو ببر به سر قرار را
چو در نماز سوی حق دو دست التجا برم
نشسته ای برابرم، شکسته ای حصار را (همان: ص ۳۹)

گاهی نیز برای اجابت دعا به ائمه به ویژه حضرت زهرا(س) و مولای متقیان (ع) متوسل می شود:

که خصم می زند نفس لحظه ی احتضار را	به بانوی توسل و به «شفعی لنا» قسم
که سیل نور می کند، ریشه ی شام تار را (همان: ص ۴)	سپیده در سپیده دم طلوع آفتاب بین
این سرما و قدمت یا علی (ع)	ما و امید کرمت یا علی (ع)
تهنیت این فتح به تو یا امام (همو، هزار دامن گل سرخ: ص ۵۸)	باد به اسلام و به رهبر سلام

(۲) ستایش وفاداری و رعایت پیمان و نکوهش پیمان شکنی:

سپیده در اشعارش ضمن ستایش و توصیف حضرت علی(ع) مظهر وفاداری و پیمان داری، در بسیاری از جاها روزگارش را دوران بدعهدی و پیمان شکنی می داند و به ویژه به منافقان می تازد:

سپیده، رشته ها سست است و پیمان ها نمی پاید چه سودایی است کز اندیشه خام تو می روید
همو، پروانه های شب: ص ۱۰

زگیل ها نیست جز بویی، ز پیمان نیست جز حرفی	زهی بر گوشواری کز سر مژگانم آویزد
پرنده برد با خود جلوه ی باغ بهاران را	چه غم گر نقطه بدرود بر پایان آویزد (همان: ص ۱۲)
با پری از محبت سیر عرش خدا کن	آی انسان تو را بس از وفا کوله باری (همو، سخن آشنا: ص ۵۷)

گاهی نیز با نکوهش پیمان شکنی از نگاه خود به پیمان شکنان زمان می پردازد:

بشنو ای دوست قصه ی ما و تاریخ	قصه ی میش و گرگ است در خم کوهساری
در وطن آتش افروخت و ندر آن خشک و تر سوخت	ننگ جاوید انداخت آن پلید تتاری (همان: ص ۸۷)

(۳) شهید و شهادت:

سپیده، نه تنها همه ی شهیدان اسلام و قران اعتقاد تمام دارد؛ بلکه حاضر است، غبار چکمه ی شهیدان را به چشم کشد و ببوسد:

همتشان طارم انجم گرفت	تربیشان، خاک تیمم گرفت
ای که گذر داری از آن جا بگو	کس نزند گام در آن بی وضو
آه مگر خاک تو خون رنگ نیست	مرهم هر خسته ی دلتنگ نیست

ساحت این شهر مصلاى ماست خلوت هر عارف و بیت خداست (سپیده کاشانی، هزاردامن گل سرخ: ص ۵۵)

(۴) قسط و عدل و مبارزه با فاصله‌ی طبقاتی و نژاد پرستی

سپیده هر جا از گذشته ، امروز و آینده و انتظار بشریت سخن می گوید ، به قسط و عدالت نیز می پردازد و آرزو می کند محبت و عدالت سرتاسر گیتی را فرا می گیرد :

نهال عشق گل آذین بود اگر ز عدل ثمری داشت جهان ز عدل پر آوا بود اگر حقوق بشری داشت

(سپیده کاشانی، سخن آشنا: ص ۱۳۲)

آن گاه که بشکوفد آن گل بر شاخسار عدلت از طرف هر شاخساری بانگ هزار بیاید (همو، هزار دامن گل سرخ: ص ۴۷)

ای بشر ، گل بیفشان گل به جای گلوله دوستی هدیه آور از ره رستگاری

دی گذشته است و فردا روز قسط و عدالت ای فرو رفته در خویش بهر گفتن چه داری (همان: ص ۸۸)

بدین منظور در بسیاری از اشعار خود به مبارزه با نژاد پرستی و فاصله های طبقاتی می پردازد .

همه هرزه علف ها را / از باغچه ی ریحان ها می چیند / که برای همه ی ماهی ها / خواه قرمز باشد / خواه سیاه / نان به استخر پر از زنبق می اندازد . (سپیده کاشانی، پروانه های شب: ص ۱۴۱)

می گوید : پیرزن مهربان بدون در نظر گرفتن رنگ ماهی ها برای آنان نان می ریزد .

طفل قالی باف گیوه به پا / به شگفتی به ارسی های چرمی من می نگرد / رنگ نان حتی در دیده ی ما یکسان نیست / و زمستان ما هر دو دو خالق دارد . (همان: ص ۱۴۳)

شاعر می خواهد ، فاصله ی طبقاتی از بین برود و این زمانی است که هنوز انقلاب به پیروزی نرسیده است .

ث- مدح و منقبت :

(۱) مدح و منقبت پیامبر اکرم (ص)

سپیده در مثنوی خورشید حجاز در ۴۵ بیت با وزن مفعول مفاعلهن فعولن هزج مسدس اخرب مقبوض محذوف به توصیف و مدح و منقبت پیامبر اکرم (ص) می پردازد :

ای نور یقین سلام بر تو ای محور دین سلام بر تو

برداشت شکاف طاق کسری شد هیبت تو تا به اوج خضرا

(۲) منقبت امام علی (ع) :

گاهی مولا علی (ع) را به صورت جداگانه و گاهی برای حمایت و تشویق رزمندگان می ستاید :

به آن هست ز پنهان و آشکار آگاه
قسم به نام دل آرای فاتح خیبر
هست در این جبهه علمدار تو
میر نجف ، حیدر کرّار تو (سپیده کاشانی، سخن آشنا: ص ۱۱۶)

(۳) حضرت زهرا (س) و حضرت زینب (س)

بر زمان آزادگی آواز کرد
قفل زنجیر حقارت باز کرد
رایت آزادگی افراشت او
بذر گل های شقایق کاشت او
گویا خورشید از آن خانه تافت
زن پس از آن جلوه ی جانانه یافت
ای شفیع روز موعود جزا
سوخت خصم خیره سر گل های ما
بیش از این گل های ما ویران خواه
یورش تاتار بر ایران خواه (همان: ص ۱۰۰)
ای شمع شبستان ولا یا زینب
ای اختر صحرای بلا یا زینب
دریاب که از کف نرود این صبر
سوگند به خون شهدا یا زینب (همان: ص ۱۹۰)

(۴) امام مهدی (عج)

همان گونه که پیش از این اشاره شد ، سپیده همیشه و پیوسته در آرزوی ظهور منجی و امید به عدالت و پیروزی انقلاب مهدی (عج) است

از جمله :

در گریبانش سحر ز آن سوی شب ها خواهد آمد
آن فروغ عدل آن قدیس تنها خواهد آمد
روشنایی بخش دل های صف چشم انتظاران
بیستون عشق از نورش مصفا خواهد آمد (همان: ص ۷۹)

ج - ستایش شخصیت های دینی ، انقلابی و ادبی

(۱) امام خمینی (ره)

سپیده به مناسبت پانزدهمین قرن هجرت پیامبر گرامی اسلام (ص) شعر زیر را در توصیف شخصیت امام خمینی می سراید :

چارده قرن بسی گل وا شد از یکی روح خدا پیدا شد

گلی آزاده ز صحرای خمین خورش آمیخته با خون حسین

لاله جوشید ز خاک ایران کاخ چنگیز زمان شد ویران

فصل گل های سیاووش رسید خاک را عشق به آغوش رسید (همان:ص ۱۰۲)

(۲) **حافظ** : سپیده از کودکی بیش از هر شاعری به حافظ عشق می ورزید و با دیوان حافظ مانوس بود و از مضامین اشعارش بهره می برد :

هنوز اشراق حافظ می وزد بر شعر من زیرا به هر سطر کتاب عشق ما صد دانه می ریزد (همان:ص ۱۰۹)

کیستی ای حافظ پیمانه نوش کیستی ای همجو چنگ اندر خروش (همان:ص ۱۳۳)

(۳) **سعدی** : سپیده سعدی را سلیمان سریر شعر می داند که با سرودن گلستان نغمه گر توحید است و از او می خواهد سرود چارده خورشید را برای پر کشیدن انسان از خاک به افلاک بسراید:

سر کن سرود چارده خورشید سر کن سخن زان مظهر لولاک

برگیر جام از باده ی وحدت تا پر کنی از خاک بر افلاک

همچنین از سعدی می خواهد گلستان دیگر در وصف شهیدان بیافریند :

سعدی گلستانی دگر آور با برگ برگی از شقایق ها

هر واژه اش سوزنده چون آتش هر بیت داستانی هزار آوا (همان:ص ۱۶۴)

(۴) **شهریار** : سپیده به شهریار ارادت خاصی داشت و همان گونه که اشاره شد همراه با چند تن از شاعران و فرزندان به دیدارش رفت و علاوه بر سوگنامه ای در رحلت شهریار، رباعی زیر را نیز در ستایش وی سرود :

در ملک ادب تو شهریار سخنی هرگز نسزد ستایدت هم چو منی

هشتاد شد و به هفت اقلیم سخن ای پیر هنوز عندلیب چمنی (همان:ص ۱۹۷)

چ - مفهوم زندگی و هدف از آفرینش :

انسان از دیدگاه سپیده در اشعارش پرنده ای مهاجر است که دایم زمزمه ی رجعت بر لب دارد و در گذر زمان زود گذر است :

خوب مهربان من / ما همه پرنده ی مهاجریم / ما همه مسافریم / همه ی کلام ما سرود رجعت است. (سپیده کاشانی، پروانه های شب: ص ۶۲)

زندگی آرام و بی صدا می گذرد:

آه ، باورت نمی شود / ما پرندگان بی امان / روزی از میان ابرها / از میان تاك پر ز خوشه ی ستارگان / بال و پر زنان / می رویم در تهی سکوت (همان: ص ۶۳)

هدف از خلقت انسان از دیدگاه سپیده ، بنای شهری با صفا بر پایه مهر ، عطوفت و صداقت است:

خوب مهربان من / بوته ی فریب بارور نمی شود بیا / شهر مهربانی و صفا بنا کنیم / و دعا کنیم / تا که جام آفتاب واژگون شود / بر فراز شام جاودان ما. (همان: ص ۶۳)

اما کمال آدمی در سوختن و افروختن است:

تا که رمز زیستن آموختیم سوختیم و سوختیم و سوختیم (همان: ص ۱۲۸)

با این حال ، آدمی در مسیر تنهایی خود با سه مجهول رو به رو است: از گذشته یاد می کند ، امروز رنج می کشد ، و از فردا بیم دارد و انسان جز حادثه ای نیست که به پایان خواهد رسید:

باز انسان تنهای امروز / خیره بر راه فردای مجهول / یاد دیروز را می ستاید / او مجموعی از / یاد دیروز / رنج امروز / بیم فردا. (همان: ص ۱۱۶)

سپیده ، عقیده دارد که: امروز بستری برای آینده است و اگر فردای روشنی در کار نباشد ، دست کم باید امروز را قدر دانست و به یاد بشارت دهنده و نجات دهنده بود.

بر مدار عمر ای رنگین کمان عشق بنشین شعله ی فانوس پایان تا نگیرد داوری کن

پای دیوار بلند شب نشستن بی تو تا کی شعله های یاس تا در ما نگیرد داوری کن (همان: ص ۵۰)

ح- سوگ سروده ها:

هر چند بررسی سوگ سروده های سپیده به تحقیق و تحلیل مستقلی نیاز دارد ، به طور کلی اشاره می شود که وی از شاعرانی است که در سه مقوله ی زیر ، سوگ سروده های فراوان دارد:

(۱) **شخصیت های مذهبی و دینی:** ائمه ی اطهار: امام علی (ع) ، امام حسین (ع) ، حضرت زهرا (س) ، حضرت عباس (ع) و ...

(۲) **شخصیت های انقلابی و اسلامی:** امام خمینی (ره) ، شهدای محراب ...

(۳) شخصیت های ادبی: حافظ، شهریار، اقبال، پروین اعتصامی و...

(۴) و خویشان: پدر، مادر، همسر و...

خ- ادبیات پایداری و دفاع مقدس

بررسی جایگاه ادبیات پایداری و دفاع مقدس در اشعار سپیده نیز به تحقیق و تحلیل کامل و مستقلاً نیاز دارد؛ زیرا سپیده شاعر انقلاب و جبهه و جنگ است و مجموعه ای مجزاً به نام «هزار دامن گل سرخ» در این زمینه دارد. سپیده در این اشعار حتی به جزئیات عملیات گوناگون نیز پرداخته است: عملیات فتح المبین، بیت المقدس، عملیات فاو (والفجر ۸) و...

سنگر خون، چشمه ی خون، شهر خون ای شفق از داغ غمت لاله گون

لحظه ی پیروزی توحید ماست سرخ گل تو گل امید ماست (سپیده کاشانی، هزار دامن گل سرخ: ص ۵۲)

نتیجه گیری:

۱- سپیده از شاعران متعهد و مسئول انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی است که عواملی، همچون: خانواده ی مذهبی و انس با قرآن کریم و متون دینی و تربیت اسلامی و پای بندی جدی به اصول و احکام شرعی و عبادی، وضعیت نا بسامان دوره ی ستمشاهی و حوادث انقلاب اسلامی، به ویژه شخصیت امام خمینی (ره) در زندگی، شعر و اندیشه ی وی تأثیر زیادی گذاشته است.

۲- سپیده، شاعری به سبک کلاسیک نو است که دو دوره ی پیش و پس از انقلاب اسلامی را درک کرده و در باره آن شعر سروده است.

۳- سپیده، در دوره ی ستمشاهی و فضای بسته ی سیاسی قبل از انقلاب به سرودن اشعار در قالب های غزل و شعر آزاد پرداخته و مسایل مهم اجتماعی را به صورت کنایی و رمزی بیان کرده است. اما پس از انقلاب تحت تأثیر حال و هوای انقلاب و جبهه و جنگ به قالب های سنتی همچون: قصیده، قطعه، رباعی، دوبیتی و تضمین اشعار شاعران بزرگ روی آورده است.

۴- شعر سپیده، همچون اشعار بیشتر شاعران دوره ی انقلاب و جنگ تحمیلی، دچار ویژگی روایی و شعار زدگی صرف نمی شود و از زیبایی های ادبی، همچون: استعاره، تشبیه، متناقض نما و نمادهای زیبا و متناسب برخوردار است.

۵- بسیاری از مسایل و مشکلات و اوضاع سیاسی و اجتماعی زمان، از جمله انقلاب و جنگ در اشعار سپیده منعکس شده است، به طوری که حتی به جزئیات نام گذاری و چگونگی اجرای عملیات دفاع مقدس نیز پرداخته است.

۶- سپیده به پیامبر اسلام (ص)، امام علی (ع)، حضرت زهرا (ع)، امام حسین (ع)، حضرت عباس (ع) و دیگر امامان شیعی توجّه و علاقه ی خاصّی دارد و در سرتاسر اشعارش، به مدح و منقبت فضایل آنان پرداخته است.

۷- انتظار مهدی موعود (عج) و امید به ظهور منجی عالم بشریت از بارزترین جنبه های اعتقادی سپیده است.

۸- قیام کربلا و حماسه ی حسینی بر اندیشه های سپیده تأثیر زیادی گذاشته و وی تعلق خاطر بسیاری به شهیدان داشته است.

۹- شعر سپیده، ساده و روان و از تعقیدهای لفظی و معنوی به دور است.

۱۰- سپیده، سوگ سروده های بسیاری در باره ی شخصیت های اسلامی و انقلابی و ادبی سروده است.

- ۱- اکبری، منوچهر؛ نقد و تحلیل ادبیات انقلاب اسلامی، بخش اول: شعر؛ سازمان فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱ ش.
- ۲- جامی، نورالدین عبدالرحمان؛ دیوان جامی، به کوشش علی اصغر حکمت، توس، ۱۳۶۳ ش.
- ۳- حافظ؛ دیوان حافظ، به اهتمام سید ابولقاسم انجوی، جاویدان، چاپ هشتم، تهران، ۱۳۷۲ ش.
- ۴- دفتر عقیدتی سیاسی فرماندهی کل قوا؛ روزها و رویدادها، نشر رامین، ج ۱، تهران، ۱۳۷۰ ش.
- ۵- سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی؛ صحیفه نور (رهنمودهای امام خمینی.ره)، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۶۹ ش.
- ۶- سلیمانی، فرامرز؛ بارورتر از بهار (نقد و بررسی نمونه های شعر زنان ایران)، دنیای مادر، تهران، بی تا.
- ۷- سنگری، محمدرضا؛ نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس، پالیزان، تهران، ۱۳۸۰ ش.
- ۸- شاهرخی، محمود؛ سوگ نامه امام، (مجموعه شعر شاعران معاصر)، سروش، ج ۲؛ تهران، ۱۳۸۳ ش.
- ۹- غفاری، محسن؛ بانوی پروانه ها؛ خاطرات قلم، تهران، ۱۳۸۴ ش.
- ۱۰- کاشانی، سپیده؛ پروانه های شب، پدیده، تهران، ۱۳۵۹ ش.
- ۱۱- _____؛ سخن آشنا؛ سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد، تهران، ۱۳۷۳ ش.
- ۱۲- _____؛ حکایت آنان که بقا را در بلا دیدند، انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۵ ش.
- ۱۳- _____؛ هزار دامن گل سرخ؛ حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۳ ش.
- ۱۴- مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ؛ هجوم سراسری؛ حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۲ ش.
- ۱۵- موسسه ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی؛ «سوگ نامه (۲)»، اشعار شاعران معاصر در سوگ امام خمینی.ره؛ واحد ادبیات موسسه، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۳.
- ۱۶- _____؛ «ادبیات انقلاب، انقلاب ادبیات»، (مجموعه مقالات کنگره بررسی تاثیر امام خمینی و انقلاب اسلامی بر ادبیات معاصر)؛ تهران، ۱۳۷۷ ش.
- ۱۷- یادنامه (ویژه نامه اربعین) سپیده کاشانی؛ روزنامه رسالت، ش ۲۰۷۹، ۲۵ اسفند، ۱۳۷۱ ش.
- ۱۸- یاحقی، محمدجواد؛ چون سبوی تشنه؛ جام، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۴ ش.